

پژوهشنامه حج و زیارت

سال سوم، شماره ششم

پاییز و زمستان ۱۳۹۷

صفحات ۳۱-۴۸

همراهی مَحْرَم با بانوی حج گزار، شرط استطاعت یا مقدمه وجودی

حسام‌الدین ربانی*

نوید امساکي**

چکیده

مطابق با نظر تمامی فقها امنیت شرط لازم در وجوب حج است و چنانچه بانوی حج‌گزار در سفر حج نسبت به جان و مال و آبروی خود خائف باشد، همراهی مَحْرَم واجب است تا اطمینان خاطر وی از امنیت در سفر حج فراهم گردد. اما در مورد نقش آن در وجوب حج بر بانوان دو دیدگاه مختلف وجود دارد. برخی از فقها معتقدند همراهی مَحْرَم از مقدمات وجودی حج است. بر این اساس، مطالبه همراهی مَحْرَم، واجب است و خوف سفر، مانع از وجوب حج نیست. اما برخی دیگر بر این باورند که همراهی مَحْرَم از مقومات استطاعت به حساب می‌آید و در این صورت، بدون تحقق اطمینان عقلایی از وجود امنیت در سفر حج، وجوبی به عهده بانویی که از سایر جهات مستطیع است، نمی‌آید و درخواست همراهی از مَحْرَم یا فرد مورد وثوق نیز چون به تحصیل استطاعت بازگشت دارد، واجب نیست. در داوری بین این دو دیدگاه به نظر می‌رسد حق با کسانی است که همراهی مَحْرَم را مقوم استطاعت دانسته‌اند؛ زیرا تعبیر «مُخَلَّى سِرْبَه» که در تفسیر و تبیین استطاعت در برخی ادله به کار رفته است، در این مطلب ظهور دارد که

* استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (hesam.rabbani@gmail.com)

** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران (پردیس فارابی) (نویسنده مسئول)

(navid.emsaki@yahoo.com)

زمانی حج بر عهده بانوان قرار می‌گیرد که مسیر آن از هرگونه مانع خالی، و مکلف از تحقق امنیت، اطمینان عقلایی داشته باشد و فراهم کردن اسباب اطمینان، مانند مطالبه همراهی از محرم، واجب نیست؛ ولی اگر محرم به صورت داوطلبانه با حج‌گزار همراه شود، استطاعت برای مکلف حاصل می‌شود.

کلمات کلیدی: حج، بانوان، امنیت، استطاعت، مقدمه وجودی.

روشن است با تحقق استطاعت و فراهم شدن شرایط وجوب، فریضه حج بر عهده مکلف قرار می‌گیرد و وی موظف است برای تهیه مقدمات سفر و اموری که ادای این فریضه را برای وی میسر می‌گرداند، اقدام کند.

یکی از شروطی که در بحث وجوب حج در مورد بانوان در کتب فقهی مورد بحث و گفت‌وگو واقع شده، شرط همراهی محرم به عنوان محقق امنیت برای بانوان در سفر حج است. از تتبع در کلمات فقها در مورد این شرط، چنین به دست می‌آید که تمامی فقها معتقدند در فرضی که امنیت برای بانوی حج‌گزار فراهم است و او در مورد سلامت در سفر حج ظن دارد، همراه بودن محرم با وی شرط وجوب حج نیست. اما اگر درباره این سفر احساس امنیت ندارد، همراهی محرم واجب می‌گردد (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹۳؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۷۱؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۹۵؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۸۴). با وجود این درباره شرط مزبور سؤالاتی چند رخ می‌نماید که لازم است بررسی شوند. سؤالات مزبور از این قرارند:

۱. آیا همراهی محرم به عنوان محقق شرط امنیت از شروط تحقق استطاعت به شمار می‌آید یا باید آن را از مقدمات وجودی حج محسوب داشت؟
 ۲. آیا محرم بودن همراه، موضوعیت دارد یا صرف همراهی فرد مورد اعتماد و اطمینان کافی است؟
- قبل از پاسخ به پرسش‌های مزبور مناسب است تبعی در آرای فقها صورت دهیم.

تبع در آرای فقها و نقد اقوال

علامه حلی رحمته الله علیه در تحریر الاحکام در ارتباط با شرایط وجوب حج فرموده است:

شرایط وجوب حج در مورد مرد، همان شرایط وجوب در مورد زن است و هرگاه تمامی شرایط فراهم گردد، حج بر زن واجب می‌شود؛ هرچند محرمی با او در سفر حج همراه نباشد. البته اگر فرد امینی را نیابد و نسبت به سفر با همراهان، خائف باشد، وجوب حج به همراهی محرم، یعنی زوج یا فردی که ازدواج با او برایش حرمت ابدی دارد، مشروط می‌گردد. مخارج محرم، در صورت نیاز به همراهی، بر عهده زن است. از این رو شرط استطاعت آن دو (زن و محرم همراه) علاوه بر موارد گذشته، این است که مخارج سفر خود و همراه را مالک باشد. در صورتی که با وجود پرداخت هزینه، محرم از همراهی امتناع ورزد، آن زن مانند کسی است که محرم ندارد و اگر توان پرداخت هزینه‌اش را ندارد، حج بر او واجب نیست (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹۳).

کلام علامه رحمته الله ظهور دارد در اینکه امنیت حاصل از همراهی محرم، در فرض خوف از سفر حج، شرط تحقق استطاعت است؛ زیرا ایشان می‌فرماید: «اگر فرد امینی را نیابد و نسبت به سفر حج خائف باشد، وجوب حج به همراهی محرم، مشروط می‌گردد و مخارج همراه محرم بر عهده اوست». در حالی که اگر ایشان اعتقاد داشت امنیت که با همراهی محرم حاصل می‌شود از مقدمات وجودی حج است، باید می‌فرمود: در وجوب حج بر مکلف، همراهی محرم شرط نیست و در صورتی که نسبت به سفر با همراهان خائف باشد، همراه نمودن محرم، ولو با پرداخت اجرت، واجب است. علاوه بر اینکه ایشان مالک بودن مخارج سفر خود و همراه را نیز در تحقق استطاعت شرط دانسته است، از کلام شهید اول رحمته الله در دروس و جناب ابن فهد حلی رحمته الله نیز همین مطلب فهمیده می‌شود^۱ (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۹۵).

۱. شهید اول رحمته الله در دروس در باب اموری که در تحقق استطاعت شرط نیست فرموده است: «وَالنَّهْيُ الْمَحْرَمِ فِي النِّسَاءِ إِلَّا مَعَ الْحَاجَةِ وَاجْرَتِهِ وَنَفَقَتِهِ جُزْءًا مِنَ الْإِسْطَاعَةِ، وَ لَا يَجِبُ عَلَى الْمَحْرَمِ الْإِجَابَةُ...» و نیز جناب ابن فهد در الرسائل العشر فرموده: «و لا يشترط الرجوع الى كفاية،... ولا المحرم في المرأة مع ظن السلامة ومع الحاجة اليه و عدم تبرعه تكون أجرته و نفقته جزءاً من الاستطاعة».

اما به نظر می‌رسد شارح کلام علامه رحمته الله، جناب فخرالمحققین رحمته الله، نظر دیگری در این باره دارد و اعتقاد ایشان بر این است که همراهی محرم و پرداخت اجرت در صورت نیاز، از باب وجوب فراهم کردن مقدمات حج، بر بانوی حج گزار واجب است. ایشان می‌فرماید:

زن در شرایط استطاعت، مانند مرد است و اگر نسبت به سفر حج خائف بوده یا نیازمند محرم باشد و محرمی نیابد، حج از او ساقط می‌شود و وجود محرم در صورت بی‌نیازی از همراهی، شرط وجوب حج نیست و در فرض نیاز، اگر تنها با پرداخت اجرت حاضر به همراهی باشد و زن، قادر بر پرداخت آن باشد، پرداخت اجرت واجب است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۷۱).

در مقابل این نظر، مرحوم کاشف الغطاء رحمته الله معتقد است همراهی محرم شرط تحقق استطاعت است، ایشان فرموده:

در استطاعت علاوه بر آنچه گفته شد، وجود محرم با زن در صورت نیاز به همراهی، شرط است؛ مثل اینکه زن نجابت دارد یا از هتک حرمت خود بیمناک است. ولی اگر از محرم و خدمتکار بی‌نیاز است، حج بر او واجب است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۸۴).

صاحب جواهر رحمته الله بین همراهی محرم و تحصیل اصل محرم تفکیک قائل شده است. ایشان همراهی محرم را از مقدمات وجودی حج می‌داند و معتقد است پرداخت اجرت برای به دست آوردن همراه، واجب است؛ اما در مورد وجوب تحصیل اصل محرم اظهار تردید کرده و فرموده است:

در وجوب حج، بعد از اینکه اسباب وجوب حاصل شد، بین زن و مرد و خنثا فرقی نیست. بنابراین در صورتی که زن در سفر حج به همراهی محرم نیازمند نباشد و به واسطه همراهی با افراد ثقه و قابل اعتماد یا به هر دلیل دیگر ظن غالب به تحقق امنیت برای جان و آبرو و عفت خویش داشته باشد، بدون هیچ اختلافی بین فقهای شیعه، حج بر او واجب است؛ زیرا در صورت امکان اقدام

به سفر بدون ترس و واهمه، مطابق با روایات و فتاویٰ علما استطاعت صادق است... . بله، اگر فرض کنیم به دلیل بیمناکی، ادای حج بر همراهی محرم متوقف باشد، همراهی محرم شرط است؛ هرچند بر محرم، قبول همراهی شرط نیست و اگر همراه، اجرت مطالبه نماید و وی قادر بر آن باشد، هرچند مقدار اجرت از اجرت المثل بیشتر باشد، پرداخت اجرت واجب است. ولی اگر قادر بر پرداخت اجرت نباشد، حج بر او واجب نیست؛ زیرا بدیهی است که در این صورت، پرداخت اجرت همانند سایر مقدمات وجودی است که ادای حج بر آن متوقف است و آیا تحصیل اصل محرم در فرضی که حج بر همراهی محرم متوقف است، واجب است تا مثلاً تزویج بر او واجب گردد؟ در این حکم اشکال است (صاحب جواهر، بی تا، ج ۱۷، ص ۳۳۰).

محقق یزدی رحمته الله همراهی محرم را ولو مستلزم پرداخت اجرت باشد، واجب دانسته است که ظهور دارد در اینکه ایشان همراهی محرم را از مقدمات وجودی حج می داند. اما ایشان در ادامه، تمکن از پرداخت اجرت به محرم همراه را شرط تحقق استطاعت دانسته و در مورد تحصیل اصل محرم اظهار تردید نموده است.^۱ شارح عروه، مرحوم حکیم، معتقد است:

این اظهار تردید بدین جهت است که ایشان احتمال داده تحصیل اصل محرم از باب تحصیل استطاعت باشد که واجب نیست. درحالی که این تردید دچار ضعف است؛ زیرا همان گونه که همراهی محرم از مقدمات وجودی است، محرم کردن همراه نیز واجب، و از باب تحصیل مقدمات وجودی برای واجب مطلق است (حکیم، ۱۳۹۱ق، ج ۱۰، ص ۲۳۲).

محقق آملی رحمته الله در مورد شرط امنیت معتقد است:

اگر زن از سلامتی در سفر حج اطمینان ندارد، همراه داشتن محرم برای او، ولو با پرداخت اجرت، واجب است... و در صورتی که امکان همراهی محرم برایش

۱. و لا فرق بین کونها ذات بعل أو لا و مع عدم أمنها یجب علیها استصحاب المحرم ولو بالأجرة، مع تمکنها منها، و مع عدمه لا تكون مستطیعة و هل یجب علیها التزویج تحصیلاً للمحرم؟ و جهان (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۷).

فراهم نگردد، حج از عهده او ساقط می‌شود؛ زیرا با منتفی شدن شرط تخلیه السرب (خلو مسیر از مانع) به عنوان شرط استطاعت، استطاعت منتفی می‌گردد و مانند شخصی می‌شود که زاد و توشه ندارد (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۵۷).

ایشان همچنین در مورد وجوب و عدم وجوب تزویج برای تحصیل محرم فرموده است:

اگر تحصیل محرم، فقط بر تزویج متوقف است، ظاهر این است که چنانچه برای زن قبیح نیست و محذور دیگری نیز ندارد، تزویج واجب است؛ زیرا دلیل وجوب همراهی محرم دلالت دارد بر اینکه همراهی محرم از باب وجوب تحصیل مقدمات حج است و از باب دخیل بودن در تحقق استطاعت نیست تا از مقدمات وجوبی به شمار آید؛ زیرا بین همراهی محرم موجود و بین ایجاد محرمیت برای غیر محرم فرقی نیست؛ مگر اینکه ایجاد محرمیت، مستلزم حج شدید باشد (همانجا).

به نظر می‌رسد صدر و ذیل کلام ایشان با هم سازگاری ندارد؛ زیرا این کلام که «اگر زن از سلامتی در سفر حج اطمینان ندارد، همراهی محرم، ولو با پرداخت اجرت، بر وی واجب است»، دلالت دارد بر اینکه همراهی محرم از مقدمات وجودی حج است؛ زیرا اگر همراهی محرم از شروط تحقق استطاعت باشد، تحصیل استطاعت واجب نیست. بنابراین اگر امکان همراهی فراهم نباشد، سقوط حج از باب عدم امکان تهیه مقدمات است، نه از باب عدم تحقق شرط استطاعت. در این صورت قیاس این مورد با موردی که مکلف زاد و توشه ندارد، صحیح نخواهد بود؛ زیرا داشتن زاد و توشه از شرایط تحقق استطاعت است. اما اگر ایشان معتقد است همراهی محرم محقق شرط استطاعت (تخلیه السرب) است، در این صورت نباید پرداخت اجرت را برای تحصیل شرط استطاعت، واجب بدانند.

محقق خوئی رحمته الله از جمله فقیهانی است که همراهی و تحصیل اصل محرم را در صورت نیاز، واجب دانسته و در شمار مقدمات وجودی حج محسوب داشته است.

ایشان در حاشیه بر کلام محقق یزدی رحمته الله علیه در مورد شرط همراهی محرم برای بانوی حج گزار فرموده است:

اگر زن احساس امنیت ندارد، همراهی فرد مورد اطمینان، خواه محرم و خواه غیر محرم، با او واجب است و محرم بودن خصوصیت ندارد؛ ولو مستلزم پرداخت اجرت برای همراهی باشد؛ زیرا استطاعت که به خلو مسیر از مانع و امنیت مسیر تفسیر شده، حاصل است؛ هر چند بر بعضی از مقدمات وجودی مانند بذل مال و مانند آن متوقف باشد. از این رو تحصیل این مقدمات واجب است؛ مانند تهیه گذرنامه و خرید مایحتاج و مقدمات سفر و دیگر مقدمات وجودی. خلاصه اینکه در لزوم تحصیل این مقدمات و تهیه آنها، ولو با پرداخت مال، مادامی که مکلف به حرج نیفتد، شکی نیست و تهیه این امور از قبیل تحصیل استطاعت نیست تا گفته شود تحصیل استطاعت واجب نیست (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۲۷).

ایشان همچنین در مورد حکم تحصیل اصل محرم با تزویج فرموده است:

ظاهراً تزویج واجب است؛ زیرا در تحصیل مقدمات وجودی بین مقدمات مالی و غیر مالی، در صورتی که مستلزم حرج یا خواری نباشد، فرقی نیست. اما اگر تزویج باعث حرج یا خواری مکلف است، واجب نیست؛ نظیر پرداخت اجرت برای همراهی محرم که اگر مستلزم به حرج افتادن مکلف باشد، واجب نیست (همانجا).

به نظر می‌رسد کلام این فقیه بزرگوار نیز خالی از ملاحظه نیست؛ زیرا اگر استطاعت - به معنای خلو مسیر از مانع و امنیت مسیر - برای مکلف حاصل است، بنابراین مکلف دیگر به همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد یا تزویج برای تحصیل محرم نیازی ندارد و اگر علت مطالبه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق یا تحصیل محرم، تحقق امنیت و اطمینان خاطر از امنیت است، بنابراین مکلف قبل از مطالبه همراهی یا تزویج، از سلامتی و امنیت در سفر اطمینان خاطر ندارد و این یعنی استطاعت برای او محقق نیست.

در مقابل این نظریه، برخی از فقهای معاصر معتقدند اگر زن از امنیت سفر حج اطمینان خاطر ندارد، حج از او ساقط است؛ زیرا «مستطیع» بر چنین فردی صادق نیست؛ چراکه استطاعت به معنای قدرت بر انجام دادن کار به آسانی و بدون مشقت است. بنابراین مکلفی که از امنیت سفر حج اطمینان خاطر ندارد، اگر بدون مشقت قادر است محرم یا فرد مورد اطمینانی را با خود همراه سازد، «مستطیع» بر وی صدق می‌کند و حج بر او واجب است؛ و الا به دلیل عدم تحقق استطاعت، حج از عهده او ساقط است. این کلام در مورد تحصیل محرم به واسطه تزویج نیز جاری است و چنانچه تزویج بدون حرج و مشقت برای مکلف ممکن باشد، استطاعت صادق خواهد بود (مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۵۱).

در اینکه منظور از کلام فوق در تفسیر استطاعت چیست دو احتمال داده می‌شود:

۱. واژه «استطاعت» در شرع دارای مصطلح خاصی نیست و همان معنای لغوی و عرفی آن مد نظر است. در این صورت منظور از استطاعت برای حج این می‌شود که مکلف بتواند به آسانی حج را به انجام برساند. اما این احتمال مورد پذیرش نیست؛ زیرا در تفسیر واژه‌های به کار رفته در ادله شرعی، در صورتی به عرف رجوع می‌شود که شارع خود تفسیری از آن ارائه نکرده باشد؛ درحالی که در روایات متعدد، استطاعت مد نظر شارع تفسیر شده است. بنابراین ادعای مزبور، ادعایی بدون دلیل است که با مفاد روایات مفسر استطاعت و رویه فقها در تفسیر استطاعت و تبیین معنای مصطلح فقهی و شرعی برای آن سازگار نیست. علاوه بر اینکه لزوم و عدم لزوم مطالبه همراهی، چه با مشقت همراه باشد و چه نباشد، مورد بحث و گفت‌وگوست و به عبارت دیگر، بحث در این است که در فرضی که مطالبه همراهی محرم مشقت نداشته باشد، همراهی دارای چه حکمی است؛

۲. بعد از اینکه شارع استطاعت را برای ما تفسیر کرد، عرف بیان می‌کند که استطاعت شرعی در موردی محقق است که مکلف در صورت نیاز به همراهی

محرم، به سهولت بتواند محرمی را با خود همراه گرداند. این احتمال نیز دچار اشکال است؛ زیرا نظر عرف در تبیین مفاهیم است، نه در تطبیق مفاهیم بر مصادیق مورد پذیرش؛ مگر اینکه گفته شود عرف در تطبیق این مفهوم، مطمئن ترین و دقیق ترین مرجع است.

برخی از مراجع معاصر، پس از بیان این مطلب که «اگر امنیت سفر حج متوقف بر همراهی محرم یا غیر محرم ولو با پرداخت اجرت باشد، همراهی محرم واجب است»، این اشکال را مطرح کرده اند که [ممکن است گفته شود] تخلیه سرب (خلو مسیر از مانع) و امنیت، از مقومات استطاعت است و تحصیل آن واجب نیست و همراهی محرم برای حفاظت از جان و حیثیت مکلف، نوعی کار برای خالی کردن مسیر از مزاحم و مانع است. از این رو [چون تحصیل استطاعت محسوب می شود]، همراهی محرم واجب نیست (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ص ۴۱۳).

ایشان سپس در مقام پاسخ به اشکال فرموده است:

مفروض این است که مسیر دارای امنیت است و کاروانها با امنیت، مسیر را طی می کنند. اما بانوی حج گزار به جهت خصوصیتی که دارد، لازم است جز با محرم یا فرد ثقه و مانند آن مسافرت نرود و این همراهی از مقدمات وجودی سفر حج، مانند تهیه گذرنامه و پرداخت عوارض و مالیات برای خروج از کشور و ورود به کشور دیگر به حساب می آید؛ مشروط بر اینکه این مقدمات برای بانوی حج گزار مستلزم حرج نباشد. بله، در صورتی که مکلف توان پرداخت اجرت را ندارد یا مستلزم حرج است، حج بر او واجب نیست؛ زیرا قدرت انجام دادن مقدمات را ندارد. این پاسخ در فرضی است که تحصیل امنیت متوقف بر همراهی محرم باشد؛ اما اگر بر وجود همراه هر چند غیر محرم متوقف باشد، واجب است از وی طلب همراهی کند؛ هر چند با وی محرم نباشد؛ زیرا آنچه واجب است، تحصیل امنیت است؛ چه با همراهی محرم به دست آید و چه با غیر محرم (همانجا).

ایشان تحصیل مؤمن (فرد یا افرادی که باعث اطمینان خاطر شخص از امنیت سفر باشد) را از مقدمات وجودی حج دانسته و در صورتی که تحصیل مؤمن متوقف بر تزویج باشد، فرموده است:

ممکن است گفته شود بین همراهی محرم و تحصیل همراه تفاوت وجود دارد؛ زیرا همراهی محرم، مقدمه نیست تا از باب مقدمات وجودی حج، ایجادش واجب باشد؛ بلکه آنچه مقدمه است، همراهی مؤمن است و در این جهت فرقی بین زن و مرد نیست. از این رو بر زن هم تحصیل مؤمن واجب است به اینکه با محرم یا برادر قابل اعتماد یا قافله بزرگی و مانند آن همراه شود. بله، اگر خود همراهی محرم را از مقدمات حج بدانیم، تحصیل همراهی ولو با ایجاد محرمیت، واجب است. علاوه بر اینکه عرفاً بین توقف تخلیه السرب (خلو مسیر از مانع) بر پرداخت مال برای عبور یا اجاره فردی که از کاروانیان دفاع کند و بین تزویج بانوی حج گزار فرق است و عرف، مورد اول و دوم را فقط از مقدمات واجب می‌داند. هر چند از مقدمات دانستن مورد سوم، مطابق با احتیاط است (همانجا).

در نقد کلام ایشان ممکن است گفته شود که گرچه ملاک تحقق استطاعت، تحقق امنیت واقعی است، اما قطع مکلف و اطمینان و حتی ظن وی - مطابق با تصریح فقها در کلماتی که از آنان گذشت - راهی به سوی رسیدن به این واقع است. بنابراین در نهایت، باید شخص مکلف از عدم مانع در مسیر و تحقق امنیت اطمینان خاطر داشته باشد تا بتواند برای سفر حج و تهیه مقدمات آن اقدام کند. از این رو باید گفت تحصیل امنیت و تحصیل اسباب تحقق امنیت بر مکلف واجب نیست و مادامی که مکلف به امنیت و سلامتی خود در مسیر سفر حج ظن و گمان ندارد، مستطیع محسوب نمی‌شود؛ هر چند مفروض این باشد که مسیر امن است و کاروان‌ها با امنیت طی مسیر می‌کنند. در نتیجه مطالبه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق نیز بر او واجب نخواهد بود.

همچنین به نظر می‌رسد کلام ایشان در مورد وجوب تحصیل مؤمن به عنوان شرط وجودی حج، خالی از ملاحظه نباشد؛ زیرا نمی‌توان در مورد شرط وجوب تحصیل مؤمن، تصور دیگری غیر از وجوب تحصیل امنیت یا اسباب تحقق امنیت برای سفر داشت و در این صورت، اگر تخلیه السرب (خلو مسیر از مانع) و امنیت از مقومات استطاعت است، تحصیل آن و ایجاد اسباب تحقق آن واجب نیست. بنابراین چگونه می‌توان تحصیل مؤمن را واجب دانست؟

تحقیق و داوری

همان گونه که مشاهده می‌شود، فقها در مورد شرط همراهی محرم به عنوان محقق شرط امنیت در مورد بانوان دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ برخی آن را شرط تحقق استطاعت دانسته و برخی آن را از مقدمات وجودی حج محسوب داشته‌اند. بدیهی است چنانچه همراهی محرم را از شروط تحقق استطاعت بدانیم، مطالبه همراهی و پرداخت اجرت به همراه برای همراهی واجب نیست؛ اما اگر همراهی محرم از مقدمات وجودی حج به شمار آید، بر بانوی مستطیع لازم است، ولو با پرداخت اجرت، همراهی محرم را مطالبه کند. بنابراین روشن است که تفاوت دیدگاه فقها در این مورد، از اختلاف آنان در تفسیر استطاعت و تبیین گستره آن ناشی شده است. از این رو لازم است قبل از هرگونه داوری در این ارتباط، با مراجعه به ادله و اسناد پشتیبان، نظر شارع را در تفسیر استطاعت جو یا شویم.

مطابق با آیه شریفه ﴿...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ (آل عمران، ۹۷) و با توجه به اینکه کلمه ﴿سَبِيلًا﴾ تمیز برای فعل ﴿اسْتَطَاعَ﴾ است و منظور از آن را مشخص می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۳۵۵)، هر کس توان و استطاعت لازم در پیمایش مسیر و رسیدن به مکه و انجام دادن اعمال و مناسک حج را دارا باشد، حج بر او واجب است. مطابق با روایات رسیده در تفسیر آیه شریفه، این استطاعت، بر اموری مثل دارا بودن مال برای مخارج سفر و اداره زندگی

پس از بازگشت، سلامتی و تندرستی به منظور قدرت داشتن بر پیمایش مسیر و انجام دادن اعمال و خالی بودن مسیر از مانع به معنای اطمینان خاطر از امنیت و سلامت سفر، متوقف است^۱ که اگر هر کدام از این امور محقق نباشد، فریضه حج بر عهده مکلف قرار نمی‌گیرد. اما بعد از اینکه چنین استطاعتی برای مکلف حاصل شد، باید به این سفر اقدام کند و تهیه مقدمات سفر مانند تهیه وسایل لازم برای سفر، تهیه مرکب، اخذ گذرنامه و روادید، پرداخت عوارض و مانند اینها بر او واجب می‌شود. البته هرگاه نتواند هر یک از این مقدمات را قبل از اتمام فرصت ادای عمره و درک حج فراهم کند، در آن سال حج از او ساقط است و وجوب حج در سال آتی متوقف بر بقای استطاعت و امکان تهیه مقدمات در آن سال خواهد بود.

بنا بر آنچه بیان شد، روشن شد که همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد در حصول استطاعت برای زن شرط نیست و آنچه ملاک و معیار در تحقق استطاعت و تعلق وجوب حج بر عهده بانوان است، قطع و اطمینان مکلف به سلامت و امنیت سفر است که همان گونه که در برخی روایات نیز بدان اشاره شده است، ممکن است این قطع و اطمینان و حتی ظن به سلامت، بدون مطالبه همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد و صرفاً با علم به همراه بودن در سفر با کاروان متشکل از جمعی از مؤمنین

۱. الف) أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحْجْ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْتَعَهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحَفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلْيَمُتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» (كليني، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ص ۲۶)؛

ب) مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ قَالَ: هَذِهِ لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَصِحَّةٌ وَإِنْ كَانَ سَوْفَةً لِلتَّجَارَةِ فَلَا يَسَعُهُ وَإِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ إِذَا هُوَ يَجِدُ مَا يَحْجُّ بِهِ» (الحديث (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۲۵)؛

ج) وَفِي كِتَابِ التَّوَجُّدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ مَا يَغْنِي بِذَلِكَ قَالَ: «مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مَحَلِّي سَرِيَّةٌ لَهُ زَادَ وَرَاجِلَةٌ» (همان، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۳)؛

مورد اعتماد، حاصل شود.^۱

بله، ممکن است محرم در عین اینکه حاضر است داوطلبانه با مکلف همراه باشد و در این همراهی نیز مطالبه اجرت ندارد، قادر بر تأمین مخارج سفر خود نباشد؛ در این صورت - همان گونه که علامه حلی رحمته الله و برخی دیگر از فقها بیان داشته‌اند - مالک بودن هزینه سفر خود و همراه، شرط تحقق استطاعت مالی برای مکلف است. بنابراین قطع و اطمینان خاطر به سلامتی و امنیت سفر، گرچه با همراه شدن با محرم یا فرد مورد وثوق حاصل می‌شود، مطالبه همراهی بر بانوی حج گزار واجب نیست؛ زیرا تحصیل استطاعت محسوب می‌شود که مطابق با روایات،^۲ واجب نیست. بله، اگر محرم یا فرد مورد اعتماد در سفر با وی همراه باشد یا به وی پیشنهاد همراهی دهد و اجرتی هم برای این کار مطالبه نکند و محذور دیگری هم در این همراهی نباشد، چون قطع به سلامت و در نتیجه استطاعت در پیمایش مسیر برای مکلف حاصل می‌شود، وجوب حج بر عهده مکلف قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد عمده فقیهانی که همراهی محرم را واجب، و آن را از مقدمات وجودی حج محسوب داشته‌اند، از این جهت بوده که امنیت مسیر را برای بانویی که از سایر جهات مستطیع است مفروض دانسته و استطاعت از این جهت را با فرض تحقق امنیت در مسیر، استطاعت نوعی به حساب آورده‌اند. بنابراین نتیجه این می‌شود که بانوی حج گزار صرفاً برای تحقق اطمینان خاطر خودش از امنیت سفر، نیازمند تحصیل مؤمن است و چون در واقع، امنیت وجود دارد، پس او مستطیع است. در حالی که به نظر می‌رسد زمانی که شارع، شرایط تکلیف را بیان می‌کند، هر چند نوع مکلفین را در نظر می‌گیرد، در نهایت این خود مکلف است که باید

۱. صحیحة معاویة بن عمار: «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ إِلَى مَكَّةَ بِغَيْرِ وِلي؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۸۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۴۳۸).

۲. صحیحة عبد الرحمن بن حجاج: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ مُحْرَمٍ؟ فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً وَ لَمْ تَقْدِرْ عَلَى مُحْرَمٍ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۱۵۴).

شرایط و امکان ادای تکلیف را در مورد خود بررسی کند و در حق خود محقق بیابد تا به انجام دادن آن مبادرت ورزد و در این صورت، اگر به طور قطع یا اطمینان، مسیر را امن بداند، به مطالبه همراهی از محرم نیازی نخواهد داشت.

با توجه به مطالب مزبور می‌توان گفت مقدمه و جودی انگاشتن همراهی محرم برای وجوب حج، انگاره صحیحی نیست و اگر برخی از فقها وجود محرم را شرط تحقق استطاعت دانسته‌اند، از این باب بوده که غالباً با علم به وجود همراه محرم در سفر حج، قطع به سلامت و در نتیجه استطاعت برای بانوان حاصل است. بنابراین باید گفت ظن و اطمینان به سلامت در سفر حج و در زمان ادای اعمال و مناسک حج و عمره، از مقومات استطاعت است. البته اسباب حصول ظن و اطمینان برای مکلف، باید عقلایی و مورد پذیرش عقلاً باشد و به صرف خوف از اقدام به حج به دلیل احتمال عدم امنیت، نمی‌توان به عدم استطاعت مکلف حکم کرد.

نتیجه‌گیری

پس از مراجعه به ادله و بررسی کلمات فقها می‌توان سؤالات مطرح در ابتدای پژوهش را به شرح ذیل پاسخ داد:

۱. از ادله استفاده می‌شود که شرط تحقق استطاعت سبیلی یا سربی، تحقق امنیت در مسیر حج و خالی بودن مسیر از هرگونه مانع است. بنابراین اگر بانویی که اراده حج دارد، به سلامت در سفر حج و ادای مناسک قطع یا اطمینان یا ظن داشته باشد - مثل اینکه بداند در سفر حج با محرم یا فرد یا افراد مورد اعتمادی همراه است به گونه‌ای که امنیت جان و مال و آبروی وی با این همراهی تأمین می‌گردد - و سایر شرایط معتبر در استطاعت نیز برای وی فراهم باشد، مستطیع محسوب می‌شود. بنابراین مادامی که چنین قطع یا اطمینان و ظنی برایش حاصل نشود، «مستطیع» بر وی صادق نیست. البته لازم است اسباب حصول ظن و اطمینان برای مکلف، اسباب

عقلایی و مورد پذیرش عقلا باشد؛

۲. همراهی محرم یا فرد یا افراد مورد وثوق و اطمینان می‌تواند محقق شرط استطاعت (امنیت مسیر) باشد و محرم بودن همراه، موضوعیت ندارد؛ اما نمی‌توان آن را از مقدمات وجودی حج به شمار آورد. بنابراین مطالبه همراهی و به دنبال آن پرداخت اجرت برای همراهی، واجب نیست؛

۳. تحصیل استطاعت واجب نیست، اما چنانچه خود مکلف شرایط استطاعت را برای خود ایجاد کند - مثل اینکه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق را مطالبه کند، یا سازمان حج افراد امین، کاربلد و توانا را برای حصول اطمینان خاطر با آنان همراه سازد - شرط استطاعت حاصل، و حج بر عهده مکلف واجب می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آملی، محمدتقی (۱۳۸۰ق)، **مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی**، تهران، انتشارات مؤلف، چاپ اول.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۹ق)، **الرسائل العشر**، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعة**، قم، انتشارات آل البيت.
۴. حکیم، سیدمحسن (۱۳۹۱ق)، **مستمسک العروة الوثقی**، قم، انتشارات دار التفسیر، چاپ چهارم.
۵. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، **موسوعة الامام الخویی**، قم، انتشارات مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول.
۶. سبحانی، جعفر (۱۴۲۶ق)، **الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء**، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۷. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، **الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۹. صاحب جواهر، محمدحسن (بی تا)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الاحکام**، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۱۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، **تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة**، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۳. فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
۱۴. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۰ق)، **کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، **الکافی**، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیة.

۱۶. مدنی کاشانی، حاج آقارضا (۱۴۱۱ق)،

براهین الحج للفقهاء و الحجج، کاشان،

انتشارات مدرسه علمیه آیت الله کاشانی،

چاپ سوم.

۱۷. یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۹ق)، عروة

الوثقی (محشی)، قم، انتشارات جامعه

مدرسین، چاپ اول.